

# ضوابط کارکردگرایی در نگاه به دین

علی عباسی<sup>۱</sup> و علی اکبر عبادی نیک<sup>۲</sup>

## چکیده

نگاه عمل‌گرایانه و توجه به کارکردهای دین، یکی از روش‌هایی است که در حوزه دین‌پژوهی و عرصه تبلیغ دین مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نصوص دینی نیز استفاده از این روش قابل مشاهده است؛ ولی نکته مهم در استفاده از این روش اینک استفاده از این روش با چه ضوابط و معیارهایی باید انجام پذیرد؟

استفاده صحیح و منطبق با ضوابط از این روش می‌تواند باعث موفقیت بیشتری در فهم دین، بهره‌مندی از دین و نشر دین شود؛ همان‌گونه که استفاده بدون ضابطه و نادرست از این روش، فهم نادرست از آموزه‌های دینی و انحرافات علمی و عملی در مسائل دینی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. در این تحقیق با تأمل در آیات و روایاتی که به بیان کارکردهای آموزه‌های دینی پرداخته‌اند و همچنین تأملات عقلی به این نتیجه می‌رسیم که برای استفاده از این روش، لازم است معیارها و ضوابطی را مورد لحاظ قرار دهیم؛ از جمله توجه همزمان به کارکردهای دنیوی و اخروی، توجه به اصیل بودن کارکردهای اخروی و تبعی بودن کارکردهای دنیایی و عدم استفاده از روش کارکردگرایی در حوزه‌های کاملاً نظری دین.

واژگان کلیدی: دین، عمل‌گرایی، کارکرد، کارکردگرایی.

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۲/۹/۷

۱. استادیار جامعه‌المصطفیٰ العالمیه (abbasi8177@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری کلام جامعه‌المصطفیٰ العالمیه (hamedany60@gmail.com).

## مقدمه

در برخی از آیات و روایات معصومان علیهم‌السلام کارکردهای بعضی از آموزه‌های دینی مطرح شده است. با توجه به اینکه در مبانی اصولی ما قرآن و سنت معصومان (اعم از فعل، قول و تقریر) حجت و قابل استناد و الگوبرداری است، درستی استفاده از روش بیان کارکردها را می‌توان از آیات و روایات مذکور برداشت کرد؛ بنابراین ما نیز در مقام معرفی و دفاع از دین می‌توانیم از این روش بهره‌مند شویم؛ یعنی با بیان کارکردهای گوناگون دین و آموزه‌های دینی در زندگی، به تبلیغ و ترویج دین پردازیم.

اما این به معنای بی‌ضابطه بودن و مطلق بودن جواز استفاده از این روش نیست. قرآن و سنت محکمت و متشابهاتی دارند که متشابهات را باید بر پایه محکمت تفسیر کرد (ر.ک: آل عمران: ۷). توجه به اصول قطعی و اولیه قرآنی و روایی مثل خدامحوری، مقدمه بودن دنیا برای آخرت و اصالت زندگی اخروی: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴) و همچنین دقت در نوع استفاده از روش بیان کارکرد در آیات و روایات، ما را در فهم ضابطه و ملاک استفاده از این روش یاری می‌رساند.

می‌توان ادعا کرد که نگاه عمل‌گرایانه و توجه به کارکردها همچون چاقوی دولبه‌ای است که استفاده صحیح از آن مزایا و منافع مهمی را به دنبال دارد که قابل چشم‌پوشی و صرف‌نظر کردن نیست و از سوی دیگر، استفاده غلط و نادرست از آن نیز آفات و مضرات سنگینی را برای دین و دینداری افراد ایجاد می‌کند که قابل اغماض نیست و حتماً باید از آنها پرهیز کرد.

به همین دلیل، کشف ملاک و ضابطه و محدوده استفاده از این روش، اهمیت خاصی دارد و ما در این مقاله به بیان نکاتی در این باره خواهیم پرداخت.

درباره پیشینه این بحث نکته قابل توجه اینکه اگرچه اصل روش کارکردگرایی، مورد استفاده اندیشمندان غربی مثل ویلیام جیمز و دورکیم و اندیشمندان اسلامی مثل دکتر پاک‌نژاد، مهندس بازرگان و دکتر شریعتی و... در پژوهش‌های دینی قرار گرفته است و در کتاب‌های کلام جدید نیز روش کارکردگرایی و پراگماتیسم مورد نقد و بررسی قرار گرفته است؛ ولی درباره ارزیابی نگاه کارکردگرایی به دین و ارائه ضابطه و ملاک برای بهره‌مندی صحیح از این روش در

مطالعات، پژوهش‌ها و تبلیغات دینی - که موضوع این مقاله است - مطلبی در نوشته‌های اندیشمندان غربی یا اسلامی یافت نشد.

### ۱. ضوابط و ملاک‌های بیان کارکردهای آموزه‌های دینی

با روشن شدن موضوع بحث و اهمیت آن، به تبیین ضوابطی که در نگاه کارکردی به دین باید مورد نظر باشد، می‌پردازیم.

#### ۱-۱. توجه به کارکردهای علمی و عملی

یکی از اشکالاتی که بر نگاه عمل‌گرایانه برخی افراد به دین وارد است، نوعی عمل‌زدگی و غفلت از جنبه‌های معرفتی و کارکردهای علمی و معرفت‌زای دین می‌باشد. معرفت و اعتقاد در حکم ریشه برای درخت دین است. اصولاً یکی از وظایف و کارکردهای اصلی دین، رفع جهالت و نادانی بشر می‌باشد. قرآن کریم این کارکرد دین را به روشنی مورد توجه قرار داده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يَزَكِّيْكُمْ وَ يَعْلَمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۵۱).

عمل اگر بر یک معرفت و اعتقاد صحیح مبتنی نباشد، یا به کلی بی‌ارزش و بی‌اثر است، یا ارزش و اثر کمی را به بار خواهد آورد. در روایات شریف ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup>، با تأکید خاصی به این معنا اشاره شده است.

نبی مکرم اسلام<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> وقتی در مسجد به دو گروه برخوردند که یک گروه به بحث علمی و آموختن معارف مشغول بودند و دیگری به عبادت و عمل خیر، هر دو گروه را ستودند؛ ولی گروه علم‌آموز را ترجیح دادند و خود نیز به جمع آنان درآمدند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۶).

حضرت امیر مؤمنان<sup>علیه‌السلام</sup> می‌فرماید:

عبادت‌کننده‌ای که (عبادتش) از روی فهم و دانایی نیست، مانند الاغ آسیاست که به اطراف خود می‌گردد و (از جایش) دور نمی‌شود و دو رکعت نماز از دانا بهتر است از هفتاد رکعت از نادان؛ زیرا فتنه و تباهکاری به دانا روی می‌آورد و او به وسیله دانش خود از آن بیرون می‌رود و فتنه به جاهل و نادان رخ می‌دهد؛ پس او را (به سبب نادانی‌اش) از جا برکنند و پراکنده سازد و کار اندک با دانش بسیار بهتر است از کار بسیار با دانش کم و شک

و دودلی و شبهه و چیزی که در آن حق به باطل اشتباه و مانند گردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۸).

حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> در این سخن ارزشمند خود، به روشنی به بی ارزشی عبادت و عمل بدون علم و فهم تصریح فرموده است.

بر این اساس، در بیان کارکردهای دین مخصوصاً آموزه‌های اعتقادی نباید کارکرد دین را منحصر در امور عملی دانست و از کارکردهای معرفتی دین غفلت کرد؛ مثلاً:

۱. خدائشناسی: معرفت‌بخشی نسبت به خدای متعال بالاترین و ارزنده‌ترین تحفه‌ای است که دین حق الهی به انسان ارزانی داشته و از مهم‌ترین کارکردهای دین است و در قرآن کریم به عنوان هدف خلقت عالم از آن یاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۶۳).

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ  
بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عِلْمًا (طلاق: ۱۲).

۲. هستی‌شناسی: ارائه تصویر صحیح نسبت به دنیا و آخرت و اینکه دنیا فانی است و محل عبور و گذر برای رسیدن به آخرت می‌باشد (نهج‌البلاغه، ح ۱۳۳) و انسان برای زندگی جاودانه اخروی خلق شده است (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۶۷) که البته باید از دنیا و زندگی دنیا در این جهت استفاده کند.

۳. انسان‌شناسی: فهم درست از انسان و جایگاه او در عالم هستی که انسان خلیفه الهی در زمین و مورد تکریم خدای متعال است (اسراء: ۷۰).

۴. معادشناسی: ارائه تصویر صحیح از مرگ که مرگ، نیستی و فنا نیست، بلکه صرفاً پلی برای انتقال انسان از عالم دنیا و دار تکلیف به عالم عقبی و دار جزا و... است. عمل‌زدگی و توجه افراطی به کارکردهای عملی دین و آموزه‌های دینی، انحرافی است که گاهی بعضی از روشنفکران به آن مبتلا شده‌اند و در نتیجه در تفسیر دین نیز همان نگاه را اعمال کرده، از حوزه‌های معرفتی دین غفلت کرده‌اند.

## ۲-۱. توجه همزمان به کارکردهای اخروی و دنیوی

دین و آموزه‌های دینی نیز در زندگی دنیایی و حتی امور مادی انسان اثرگذار است و کارکردهای فراوانی را به دنبال دارد و نیز در زندگی اخروی و مسائل معنوی انسان دارای

کارکردهای بسیار مهم و حتی بی بدیل می‌باشد. در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، هم به کارکردهای اخروی و معنوی دین و آموزه‌های دینی و هم به کارکردهای دنیایی و حتی مادی آنها اشاره شده است.

فرض انحصار اهداف دین در مسائل دنیایی انسان و همچنین، فرض انحصار اهداف دین در امور اخروی و بی‌توجهی دین به دنیای انسان باطل است، بلکه اهداف دین متوجه زندگی دنیایی و اخروی انسان است و در جعل تکالیف عملی و اخلاقی، هم به مصالح و مفاسد دنیایی انسان و هم به مصالح و مفاسد اخروی او توجه شده است.

علامه طباطبایی در این باره چنین می‌فرماید:

دین عبارت است از روش خاصی در زندگی دنیا که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین می‌کند و هم در عین حال با کمال اخروی و زندگی دائمی و حقیقی در جوار خدای تعالی موافق است، ناگزیر چنین روشی باید در شریعتش قوانینی باشد که متعرض حال معاش به قدر احتیاج نیز باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۰).

بعضی افراد در تبیین کارکردهای دین فقط چشم به کارکردهای اخروی آن دوخته، به طور کلی دخالت دین در امور دنیایی انسان‌ها را انکار می‌کنند یا در اندازه بسیار کمی فرومی‌کاهند. در نگاه افراد سکولار، دین در امور دنیایی انسان‌ها دخالتی ندارد و فقط به اصلاح امر آخرت پرداخته است.

مهندس بازرگان در تفکرات آخر عمر خود، ورود دین به عرصه دنیا و زندگی دنیایی انسان‌ها را مایه نقص آن قلمداد می‌کرد. وی می‌گوید:

آنچه در هیچ‌یک از سر فصل‌ها و سر سوره‌ها و جاهای دیگر دیده نمی‌شود، این است که گفته شده باشد آن (پیامبران) را فرستادیم، تا درس حکومت، اقتصاد و مدیریت یا اصلاح امور زندگی دنیا و اجتماع را بدهند؛ ولی به طور کلی گفته شده است که شما در روابط فی‌مابین عدالت و انفاق و خدمت و اصلاح را پیشه کنید و تا عمل صالح انجام ندهید، ایمان، شما را راهی بهشت نخواهد کرد (بازرگان، ۱۳۷۴، ش ۲۸، ص ۵۲).

ابلاغ پیام‌ها و انجام کارهای اصلاحی و تکمیل دنیا در سطح مردم و دور از شأن خدای انسان و جهان و تنزل مقام پیامبران به حدود مارکس‌ها، پاستورها و گاندی‌ها یا جمشید و بزرگمهر و همورابی است (همان، ش ۹، ص ۴۸).

این در حالی است که عقل و نقل بر لزوم دخالت دین در امور دنیایی به طور حداکثری دلالت می‌کند. نگاهی گذرا به آیات قرآن کریم و سیره نبوی نیز این مطلب را روشن می‌سازد؛ به طور مثال، آیه مبارکه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره که دستور به کتابت قراردادهای اقتصادی مثل قرض می‌دهد، یک کارکرد اجتماعی و دنیایی را به دنبال خود دارد. البته همه اینها مقدمه اصلاح آخرت است؛ ولی به هر حال، دین بی‌توجه به دنیای انسان‌ها نیست، بلکه درصدد اصلاح امر معاش نیز می‌باشد و برخی از بزرگان وظیفه انبیا را اصلاح معاش و معاد دانسته‌اند. *ابن میثم بحرانی* در تعریف نبی می‌گوید: «او کسی است که مأمور به اصلاح احوال مردم در امر معاش و معاد است و عالم به کیفیت این کار...» (بحرانی، ۱۴۰۶، ص ۱۲۲).

در مقابل، برخی افراد کارکرد دین را منحصر در کارکردهای دنیایی آن می‌دانند. این عده اصولاً هدف دین را رفاه و اصلاح امور دنیایی انسان‌ها می‌دانند که در نتیجه دستورات اخروی و اعمال عبادی نیز مقدمه همان اصلاح امور دنیایی و برای تأکید آن است. این دیدگاه هدف اصلی دین را ساختن دنیا و توجه به آخرت را مقدمه آن می‌داند؛ زیرا با اعتقاد به خدا این امر امکان‌پذیر خواهد بود. معمولاً افرادی که با نگاه روانشناسانه یا جامعه‌شناسانه به دین نگاه می‌کنند، دچار این اشتباه می‌شوند و مثلاً دین را فقط برای ایجاد آرامش روانی یا برقراری انسجام اجتماعی می‌دانند (ر.ک: دورکیم، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۶-۶۳).

نادرستی دیدگاه دوم نیاز به توضیح چندانی ندارد. در نگاه دین، حیات اصلی انسان در سرای آخرت است و اصلاً دنیا به عنوان مقدمه آخرت مطرح می‌شود. دین برای سعادت انسان در سایه قرب الهی و زندگی جاودانه اخروی آمده است. مهم‌ترین کارکرد دین، همین سعادت اخروی انسان است. بسیاری از کارکردهای مطرح در نصوص دینی، کارکردهای اخروی است.

در نتیجه، هم منحصر کردن کارکردهای دین در امور اخروی و معنوی و انکار یا عدم توجه به کارکردهای دین در زندگی دنیایی و امور مادی انسان‌ها، اشتباه است و هم انحصار کارکردها در کارکردهای دنیایی و غفلت از کارکردهای اخروی، امری برخلاف منطق قرآن و روایات می‌باشد. البته باید گفت در عالم واقع، انحراف و اشتباه دوم، یعنی منحصر کردن دین در کارکردهای دنیایی دارای شیوع بیشتری است.

## ۲. اصالت کارکردهای اخروی و تبعی بودن کارکردهای دنیایی (فصیحی، ۱۳۹۰، ص ۷۴)

در فرهنگ دینی برآمده از قرآن و روایات، نسبت دنیا و آخرت، نسبت ظاهر و باطن و مقدمه و ذی‌المقدمه است. دنیا به خودی خود اصالت و استقلال ندارد، بلکه مقدمه‌ای برای رسیدن به عالم آخرت و تعیین نوع زندگی جاودانه انسان در سرای دیگر است.

در آیاتی از قرآن و همچنین بعضی از روایات، دنیا به شدت مذمت شده است. در آیات و روایات دیگری توصیه به استفاده از دنیا شده است که در جمع این آیات و روایات باید گفت جایی که خود دنیا موضوعیت یابد و باعث غفلت از آخرت شود، مذموم است؛ ولی جایی که دنیا پُل رسیدن به سعادت اخروی و به تعبیر نبی مکرم اسلام ﷺ، مزرعه آخرت باشد، نه تنها مذموم نیست، بلکه مورد سفارش و ستایش قرار گرفته است. امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف آن می‌فرماید: «دنیا مسجد دوستان خدا و محل نماز ملائکه الهی و محل نازل شدن وحی و محل تجارت اولیاءالله است که در آن رحمت و بهشت را به دست می‌آورند» (نهج‌البلاغه، ح ۱۳۱).

اگر دنیا ابزار و وسیله رسیدن به آخرت باشد، از آن ستایش شده، اگر هدف و مطلوب حقیقی خود دنیا باشد، از آن نکوهش شده است: «وَ اِتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که با چشم بصیرت به آن بنگرد، او را آگاهی بخشد و آن کس که چشم به دنیا دوزد، کوردلش می‌کند» (نهج‌البلاغه، خ ۸۲)؛ یعنی نوع نگاه به دنیا اگر استقلالی باشد، باعث خسران است و اگر نگاه ابزاری باشد، باعث منفعت انسان خواهد بود و اصولاً نکوهش قرآن نسبت به کسانی است که جز بندگی دنیا به هیچ چیز نمی‌اندیشند: «وَ لَمْ يَرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (نجم: ۲۹) و «تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ» (انفال: ۶۷).

در نگاه دین، حیات واقعی و حقیقی انسان همان حیات اخروی وی می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۴۹) و قرآن آشکارا به این معنا اشاره می‌کند: «وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴) و «وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (اعلی: ۱۷).

دنیا تا جایی که مقدمه و وسیله آبادانی آخرت باشد، پسندیده است و در روایات فراوانی دنیا را

با همین عنوان معرفی کرده‌اند.

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: «همانا دنیا برای شما و شما برای آخرت خلق شده‌اید» (فراس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۱).

حضرت علیؑ می‌فرمایند: «به وسیله دنیا، آخرت به دست می‌آید» (نهج البلاغه، خ ۱۵۶). همچنین فرمودند: «دنیا برای غیر خود، خلق شده، نه برای خودش» (همان، ح ۴۶۳). امام باقرؑ درباره آیه شریفه «وَلَنَعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ»، فرمودند: «دنیا مراد است» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵۸).

امام صادقؑ فرمودند: «دنیا کمک‌کار خوبی برای آخرت است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۲). امام هادیؑ فرمودند: «دنیا بازاری است که عده‌ای در آن سود و عده‌ای در آن زیان می‌کنند» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۸۳).

این روایات به روشنی ارزش دنیا را در گرو مقدمیت آن برای تحصیل سعادت اخروی می‌دانند و نگاه استقلالی به دنیا را نفی می‌کنند.

با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان نتیجه گرفت بیان کارکردهای دین و آموزه‌های دین اگر به گونه‌ای باشد که نگاه استقلالی و اصیل به کارکردهای دنیایی دین داشته باشد، این خروج از منطق قرآن و روایات است؛ ولی اگر بیان کارکردهای دنیایی دین و آموزه‌های دینی با نگاه تبعی و غیراستقلالی باشد، منطبق با فرهنگ دینی می‌باشد. در آیات و روایاتی نیز کارکردهای دنیایی دین مطرح شده است. این کارکردها در کنار کارکردهای اخروی مطرح شده است تا توهّم استقلالیت برای کسی پیش نیاید.

### ۳. عدم استفاده از روش کارکردگرایی در مباحث ریشه‌ای دین پژوهی

در حوزه دین پژوهی مباحث متنوعی مطرح است که همه آنها در یک رتبه از اهمیت نیستند. بخشی از مباحث بیشتر جنبه نظری و فلسفی دارند و با روش عقلی پیش می‌روند. بعضی از مباحث جنبه نقلی دارند و بعضی از مباحث نیز جنبه عملی دارند و با مطالعات میدانی و تجربی آمیخته‌اند. استفاده از روش بیان کارکردها در همه زمینه‌های دینی روا نیست؛ مخصوصاً در مسائل ریشه‌ای دین مثل اثبات حقانیت یک دین و... نمی‌توان از این روش استفاده کرد، در حالی که در مسائلی چون تبلیغ و ترویج دینداری استفاده از این روش



براساس ضوابط و قواعد سودمند است.

برای روشن شدن این مسئله، حوزه‌های گوناگون دین‌پژوهی را که استفاده از روش کارکردگرایی در آنها قابل فرض است، بیان و مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۳-۱. استفاده از روش کارکردگرایی در تعریف دین

امروزه یکی از مهم‌ترین مباحث عرصه دین‌پژوهی، بحث از تعریف دین می‌باشد. می‌توان ادعا کرد همه مباحث دین‌پژوهی به گونه‌ای مترتب یا مرتبط با تعریفی است که از دین ارائه می‌شود. اندیشمندان با رویکردهای گوناگونی به تعریف دین می‌پردازند. تعریف به ماهیت، تعریف توصیفی، تعریف اخلاقی یا هنجاری، تعریف غایت‌گرایانه و... نمونه‌هایی از این رویکردهای گوناگون در تعریف دین است (خسروپناه، ۱۳۷۹، ص ۲۷).

یکی از رویکردها در تعریف دین، رویکرد کارکردگرایانه می‌باشد؛ یعنی تعریف دین به آثار و کارکردهای آن در عرصه زندگی فردی یا اجتماعی؛ به طور مثال، اگر در تعریف دین بگوییم دین چیزی است که باعث آرامش انسان می‌شود، یا دین چیزی است که باعث انسجام و وحدت در جامعه می‌شود، این تعاریف، تعاریف کارکردگرایانه خواهد بود. معمولاً روانشناسان و جامعه‌شناسان دین به این رویکرد می‌پردازند.

**دورکیم** از جامعه‌شناسان دین در تعریف دین می‌گوید: «دین دستگاہی از باورها و آداب است، در رابطه با مقدساتی که مردم را به صورت گروه‌های اجتماعی به یک دیگر پیوند می‌دهد» (همان، ص ۳۴).

به دلیل اشکالات فراوانی که به این رویکرد در تعریف دین وارد است، باید گفت استفاده از روش کارکردگرایی در تعریف دین مجاز نیست و باعث انحراف در دین‌پژوهی و حتی در دینداری افراد می‌شود.

در این قسمت به ذکر بعضی از این اشکالات می‌پردازیم:

۱. تعریف دین از راه کارکردها و آثار مستلزم دور است؛ زیرا در این رویکرد بنا بر این است که دین از راه کارکردهای آن شناخته شود؛ پس باید کارکرد ادیان را مورد مطالعه قرار داد. لازمه این کار آن است که نخست دین را از سایر نهادهای مشابه متمایز کنیم، تا آثار آن را مورد مطالعه قرار بدهیم و این نیز متوقف بر شناخت دین است. در نتیجه شناخت دین متوقف می‌شود

بر شناخت دین و این دور است.

شایان ذکر است این اشکال بر کارکردگرایی در «تعریف دین» مطرح شد؛ بنابراین با طرح مسئله شناخت اجمالی و تفصیلی نمی‌توان اشکال دور را مطرح کرد؛ زیرا در همان شناخت اجمالی نیز باید دین از راه آثار آن تعریف شود.

۲. تعریف دین به کارکردها، در واقع فرار از پاسخ به پرسش چیستی دین است، نه پاسخ به آن؛ چون پس از بیان کارکردها باز هم این پرسش باقی است که دین چیست که این کارکردها و آثار را دارد؟ به عبارت دیگر، تعریف دین به کارکردها، اعتراف به عجز از شناخت ماهیت دین می‌باشد.

۳. اشکال دیگر تعریف کارکردی از دین، گستردگی بیش از اندازه آن است. با توجه به اینکه بسیاری از کارکردهایی که برای دین مطرح می‌شود، کارکرد بی‌بدیل برای دین نیست، بلکه امر دیگری نیز این کارکرد را می‌تواند داشته باشد؛ بنابراین با بیان چند کارکرد در تعریف دین، بسیاری از شبه‌دین‌ها یا حتی مسائل بی‌ارتباط با دین نیز داخل در تعریف دین خواهد شد. این‌گونه تعاریف به گفته **همپتون** باعث می‌شود که هم قورباغه‌پرستی و هم یکتاپرستی را به صرف داشتن کارکرد مشترک، دین نامید. این می‌تواند خطر گم‌شدن اصل موضوع را به دنبال داشته باشد (حیدری، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

۴. تعریف کارکردی دین مستلزم نسبیت در تعریف دین است؛ زیرا کارکردها معمولاً امور نسبی‌اند که در شرایط زمانی و مکانی گوناگون تغییر می‌کنند. افراد با مطالعات تجربی فقط می‌توانند کارکرد یک دین خاص در محیط خاص در زمان خاص را بیان کنند، نه کارکرد اصل دین را. با توجه به اشکالات مذکور، در تعریف دین نمی‌توان از روش کارکردی استفاده کرد. البته اگر کسی تعریف جامعی ارائه دهد که هم حقیقت دین را بیان کند و هم کارکردهای دین را مطرح کند، می‌تواند تعریف درستی باشد. اشکالات پیش‌گفته ناظر به تعریفی است که فقط به بیان کارکردها بپردازد و حقیقت دین را فقط در کارکرد آن جست‌وجو کند.

### ۳-۲. استفاده از روش کارکردگرایانه در اثبات حقانیت یک دین

براساس دیدگاه صحیح که در هر زمانی دین حق فقط یکی است - برخلاف دیدگاه پلورالیسم - برای شناخت دین حق نمی‌توان از کارکردها استفاده کرد، بلکه مسئله حقانیت مقدم بر بیان

کارکردهاست. در اثبات حقانیت باید از روش عقلی، مبانی معرفتی، روش نقلی و نصوص دینی بهره جست. استاد خسروپناه در این باره می‌گوید:

معرفت‌شناس رئالیست، پس از اثبات حقانیت مدعا می‌کوشد تا کارکردهای گزاره صادق را بشناسد و بشناساند؛ ولی این مرتبه پس از مرتبه اثبات حقانیت است (خسروپناه، ۱۳۸۶، ص ۶۹).

انسان چون به طور طبیعی میل به منفعت طلبی دارد و در تشخیص منافع نیز معمولاً کوتاه بین است و منافع زودگذر را ترجیح می‌دهد (بقره: ۲۱۶)، اگر بنا باشد براساس کارکرد و منافع، حقانیت چیزی اثبات شود، این باعث تبدیل شدن دین به مسئله‌ای برای منفعت طلبی انسان خواهد شد و چه بسا هر روز انسان چیزی و روز دیگر چیز دیگری را برای خود مفید و حق بداند؛ پس لازمه روش کارکردی در اثبات حقانیت دین، پذیرفتن کثرت‌گرایی در حقانیت (پلورالیسم) است؛ زیرا در یک زمان واحد، ادیان گوناگون برای افراد با شرایط مختلف می‌تواند منافی داشته باشد و می‌دانیم که کثرت‌گرایی در حقانیت به دلایل قطعی عقلی و نقلی باطل است.

در تعاریف کارکردی از دین، مبدأ فاعلی و غایت حقیقی دین نادیده گرفته می‌شود. در نتیجه تمایزی میان ادیان حق و باطل گذاشته نمی‌شود و چنین القا می‌کنند که ادیان خواه باطل باشند و خواه حق، نقش‌های یکسانی دارند و حقانیت و بطلان دین تأثیری در کارکردها و نقش‌های دین ندارد. این موضع اغلب پیروانش را به ورطه انکار حقانیت و یا نسبیت می‌کشاند؛ همچنان که افرادی چون *فویور باخ*، *مارکس*، *دورکیم* و *فروید* که دارای رویکرد کارکردگرایانه به دین بودند، آن را فراورده‌ای بشری می‌دانستند (حیدری، ۱۳۸۸، ص ۱۷)؛ پس در اثبات حقانیت یک دین یا مذهب نیز نمی‌توان از روش کارکردگرایانه استفاده کرد.

شایان ذکر است بعضی از اندیشمندان اسلامی و حکما در اثبات حقانیت مطلق دین، یعنی همان اثبات ضرورت نیاز به دین، از روش بیان کارکردها استفاده کرده‌اند؛ به طور مثال، علامه *طباطبایی* در اثبات ضرورت دین، براساس این کارکرد دین، برهانی اقامه می‌کند که دین باعث انسجام اجتماعی و رفع اختلاف است. خلاصه آن برهان بدین قرار است:

انسان مدنی بالفطره است؛ پس به تشکیل جوامع و زندگی اجتماعی

روی می‌آورد و از سویی همین انسان مستخدم بالطبع است که این نیز باعث بروز اختلافات و فساد در زندگی اجتماعی می‌شود. به همین جهت انسان نیازمند قانونی است تا زندگی اجتماعی‌اش را اصلاح کند و اختلافاتش را برطرف کند، این قانون از سوی خود انسان نمی‌تواند باشد، یکی به دلیل همان حس منفعت طلبی و یکی به جهت محدود بودن قوای ادراکی و علم انسان. پس این قانون باید از طرف امر بیرونی باشد که همان دین و وحی است و فقط راه اصلاح همان دین است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۱۳).

درباره این نوع استدلال‌ها باید گفت استفاده از روش کارکردگرایی در اثبات ضرورت دین با دو شرط موجه خواهد بود؛ نخست، اینکه کارکردی به عنوان حد وسط قرار گیرد که کارکرد بی‌بدیل باشد؛ دوم، اینکه آن کارکرد اجتناب‌ناپذیر و برای انسان ضروری باشد. کما اینکه در برهان مذکور این‌گونه است.

### ۳-۳. استفاده از روش کارکردگرایی در تبلیغ و ترویج دین در جامعه

یکی از مباحث در عرصه دین پژوهی، شناخت روش‌های مناسب برای ترویج و تبلیغ دین و ایجاد شوق و انگیزه در توده مردم برای تقید و دلبستگی به دین است. در این باره می‌دانیم که افراد در سطوح گوناگونی از ایمان قرار دارند؛ بنابراین نوع ایجاد انگیزه نیز در سطوح گوناگون متفاوت است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام افراد از جهت انگیزه عبادت به سه دسته تقسیم شده‌اند: عده‌ای از شوق ثواب بهشت و عده‌ای از خوف عذاب جهنم و عده‌ای از محبت خدا عبادت می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۴). طبیعتاً مشوق هر دسته‌ای نیز با دسته دیگر متفاوت خواهد بود.

قرآن نیز عده‌ای را با انذار از آتش جهنم به سمت هدایت تحریک می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶)، عده‌ای را با وعده نعمت‌های بهشتی: «مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (طور: ۲۰) و عده‌ای را با وعده قرار گرفتن در جوار الهی و بهره‌مندی از رضوان الهی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر: ۵۴-۵۵) و «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۸).

مخاطب‌شناسی و استفاده از روش مناسب برای ایجاد انگیزه، یک اصل مهم تبلیغی است که در لسان آیات و روایات توجه خاصی به آن شده است (کلینی: ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳). اینکه ائمه اطهار علیهم‌السلام گاهی در پاسخ یک پرسش به مخاطبان گوناگون پاسخ‌های مختلفی ارائه می‌فرمودند، به همین جهت است.

یکی از روش‌های بسیار مفید در ایجاد انگیزه برای عموم مردم نسبت به دین و دینداری، بیان کارکردهای گوناگون دین و اثرگذاری آن در زندگی دنیایی و آخرتی آنهاست. بسیاری از مردم این گونه‌اند که با شنیدن کارکردهای دین در زندگی، انگیزه بیشتری برای انجام دستورات دینی می‌یابند؛ به همین جهت در قرآن و روایات نیز به این مطلب توجه شده و در کنار بسیاری از دستورات دینی اشاره‌ای نیز به بعضی از کارکردهای آن شده است که به یک نمونه اشاره می‌شود: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمِدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً» (نوح: ۱۰-۱۲).

در این آیه شریفه، ارتباط میان استغفار و نزول برکات دنیایی و مادی به جوامع انسانی مطرح می‌شود و در واقع یکی از کارکردهای استغفار و برگشت به سوی خدای متعال را جلب نعمت‌های دنیایی برمی‌شمرد.

حضرت نوح برای تشویق و ترغیب قوم خود به اصلاح رفتار و کردار و برگشت به مسیر صحیح بندگی خدا، پس از اینکه به آنان دستور به استغفار می‌دهد، به یک اثر معنوی و چند اثر مادی استغفار نیز اشاره می‌کند. اثر معنوی همان بخشش گناهان از سوی خدای متعال و اثرات مادی نیز نزول باران و فزونی اموال و اولاد و باغات و انهار است.

پس معلوم می‌شود استغفار از گناهان، اثر فوری در رفع مصائب و گرفتاری‌ها و گشوده‌شدن درب نعمت‌های آسمانی و زمینی دارد، می‌فهماند میان صلاح جامعه انسانی و فساد آن و میان اوضاع عمومی جهان ارتباطی برقرار است و اگر جوامع بشری خود را اصلاح کنند، به زندگی پاکیزه و گوارایی می‌رسند، اگر به عکس عمل کنند، عکس آن را خواهند داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۰).

می‌بینیم که در این آیه که یک تکلیف اخلاقی به عموم افراد جامعه بیان می‌شود، در کنار آن

برای تشویق و ترغیب مردم به انجام آن تکلیف کارکرد معنوی و مادی آن نیز بیان شده است. البته ذکر کارکردها، غیر از ایجاد انگیزه، فواید دیگری هم دارد؛ از جمله، ایجاد حس قدردانی از دین، یکی از فواید ذکر کارکردهاست. افراد با شنیدن برکات دین در زندگی خود در دفاع از دین و نگهداری آن کوشاتر خواهند بود. پس استفاده از روش کارکردگرایی در تبلیغ و ترویج دین، با رعایت ضوابط و شرایط آن بلامانع، بلکه مفید است.

#### ۳-۴. استفاده از روش کارکردگرایی در جدل و مناظره با مخالفان

یکی از اصول جدل و مناظره، استفاده از مشهورات و مسلّمات طرف مقابل است (مظفر، ۱۴۰۰، ص ۳۳۸). به تعبیر دیگر، ایجاد نقطه اشتراک برای پیشبرد بحث و رسیدن به هدف مهم تر، گاهی ایجاد می‌کند که انسان از موضع خود کمی نزول کند و با طرف مقابل مماشات کند. در جایی که در مناظرات دینی طرف مقابل درباره دین موضع انکاری دارد، برای یافتن نقطه مشترک و شروع بحث و رساندن طرف مقابل به نقطه مطلوب می‌توان از مسلّمات وی استفاده کرد و بحث را با فایده‌مندبودن دین دنبال کرد.

همچنین، در جدل می‌توان برای اسکات خصم از این روش بهره برد؛ به طور مثال، اگر انسان بخواهد با یک جامعه‌شناس کارکردگرا که منکر دین است، به این دلیل که دین را افیون امت‌ها می‌داند و کارکرد مثبتی برای دین قائل نیست، مناظره کند، نخست باید برای شروع بحث از همین مبنای وی استفاده کند و کارکردهای مثبتی از دین را به وی ارائه کند و وی را متقاعد سازد که دین کارکردهای مثبت فراوانی دارد. در مرحله بعد، او را به این سمت سوق دهد که اصل این مبنا یعنی اثبات حقانیت دین با روش کارکردگرایی، مبنای درستی نیست و حقانیت دین از راه‌های نظری و مبانی فکری باید اثبات شود.

#### ۴. اکتفانکردن به روش مطالعات تجربی در کشف کارکردهای دین و آموزه‌های دینی

آثار دین و کارکردهای آن را عمدتاً از سه روش می‌توان کشف کرد:

۱. تفکر عقلی؛
۲. نصوص دینی؛
۳. مطالعات میدانی و تجربی.

معمولاً کسانی که رویکرد کارکردگرایانه به دین دارند، در کشف کارکردها به روش سوم اکتفا می‌کنند که این خود متأثر از مبنای پوزیتیویستی آنهاست. کسانی که رابطه دین با مبدأ الهی آن را منقطع یا مغفول می‌دانند و مسائل علمی را منحصر در مسائل تجربی می‌دانند، طبیعی است در کشف کارکردها به روش تجربی و مطالعات میدانی بسنده می‌کنند.

اما اگر به محدودیت تجربه و همچنین به منشأ الهی برای دین قائل باشیم، قطعاً اکتفا به روش تجربی در کشف کارکردها ما را به نتیجه مطلوب نمی‌رساند، بلکه امکان افتادن به خطا و انحراف در فهم دین و کارکردهای آن بسیار زیاد است.

عمدتاً مطالبی که در کلام قدیم ذیل عنوان فواید ایمان، آثار دینداری و... بیان شده است، با استفاده از روش عقلی و نقلی می‌باشد. البته گاهی نیز به تجربیات استناد می‌شود؛ ولی هیچ‌گاه اندیشمندان اسلامی در مسیر کشف کارکردها به روش تجربی اکتفا نمی‌کنند؛ زیرا روش تجربی محدودیت‌های فراوانی را از جهت زمانی، مکانی، معرفتی و... به دنبال دارد و مهم‌تر اینکه در بیان کارکرد دین، بهترین منبع، تشریح‌کننده دین است.

رعایت نکردن این ملاک، منشأ افتادن بعضی افراد در دام تفسیر به رأی درباره آیات قرآنی یا روایات و آموزه‌های دینی شده است. اینکه بعضی اصرار دارند تا حتی برای اعمال عبادی محض مثل غسل، وضو، تیمم و نماز نیز کارکردهای مادی بیان کنند، نشان از همین انحراف می‌باشد؛ به طور مثال، مهندس **بازرگان**، کارکرد وضو و غسل را نظافت و بهداشت معرفی می‌کند و نیت شارع از دستورات و احکام طهارت و نجاست را نظافت بدن، جامه، خانه و معابر می‌داند (ر.ک: **بازرگان**، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۱۱)، در حالی که امام **رضا** علیه السلام حکمت وضو را خضوع در برابر خدای متعال مطرح می‌فرماید که نوعی طهارت باطنی است.

**محمدبن علی ماجیلویه** از عموی **محمدبن ابی‌القاسم** از **محمدبن علی کوفی** از **محمدبن سنان**

نقل کرده است که حضرت **ابوالحسن الرضا** علیه السلام در پاسخ مکتوب و نامه وی مرقوم فرمودند:

علت وضویی که به خاطرش شستن صورت و دو ذراع و مسح سر و پاها واجب شده، آن است که بنده در مقابل حق تعالی می‌خواهد بایستد و با جوارح و اعضای ظاهری او را ملاقات نماید؛ لذا شستن صورت به خاطر سجود و خضوع لازم گردیده و شستن دو دست به جهت حرکت دادن شان و اینکه به توسط آنها رغبت و میل و خوف و

وحشت و بریدن و جدا کردن واقع می‌شود، واجب شد و مسح سر و دو پا به خاطر آنکه ظاهر و آشکار بوده و در تمام حالات به واسطه آنها استقبال صورت می‌گیرد و اینکه خضوع و خشوعی که در صورت و ذراعین هست، در آنها نیست، لازم و واجب گردید (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۰).

### نتیجه

- با توجه به مباحثی که در این تحقیق مطرح شد، می‌توان به این جمع‌بندی و نتایج رسید:
۱. نگاه عمل‌گرایانه و تکیه بر کارکردهای دین به عنوان یک روش می‌تواند مورد استفاده و بهره‌مندی قرار گیرد؛
  ۲. استفاده از این روش در عرصه‌های کاملاً نظری دین مثل تعریف دین یا اثبات حقانیت یک دین، غلط بوده، باعث انحراف از مسیر صحیح در دین‌شناسی خواهد شد؛
  ۳. استفاده از روش کارکردگرایانه در تمام حوزه‌هایی که استفاده از آن را در بند پیش مجاز دانستیم، باید منطبق بر ضوابط و ملاک‌هایی باشد.
- این ضوابط حاصل توجه به نوع استفاده از این روش در نصوص دینی و همچنین تأملات عقلی است؛ ضوابطی همچون:
- توجه به تمام کارکردها، اعم از کارکردهای دنیایی و اخروی، مادی و معنوی، عملی و معرفتی؛
  - توجه به اصالت کارکردهای اخروی و تبعی بودن کارکردهای دنیایی؛
  - اکتفانکردن به روش تجربی در کشف کارکردهای دین و استفاده از نصوص دینی.



## منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ *علل الشرائع*؛ قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
- بازرگان، مهدی؛ «خدا و آخرت هدف بعثت انبیا»؛ *مجله کیان*؛ تهران، ش ۲۸، ۱۳۷۴، ص ۴۶-۶۱.
- بازرگان، مهدی؛ *مجموعه آثار*؛ تهران، بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان، ۱۳۷۹.
- بحرانی، میثم بن علی؛ *قواعد المرام فی علم الکلام*؛ قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
- تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ *غرر الحکم و درر الکلم*؛ قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- حرانی، ابن شعبه؛ *تحف العقول*؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- حیدری، داوود؛ «نقد رویکرد کارکردگرایانه در تعریف دین»؛ *فصلنامه اندیشه نوین دینی*؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ش ۱۷، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۱۵-۱۳۸.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ *انتظار بشر از دین*؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ *کلام جدید*؛ قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۷۹.
- شریف رضی، محمدحسین؛ *نهج البلاغه*؛ ج ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ *کتاب التفسیر*؛ تهران: علمیه، ۱۳۸۰.
- فراس، ورام بن ابی؛ *مجموعه ورام*؛ قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.
- فصیحی، امان الله؛ *منطق کارکردی و دفاع از دین*؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی

پژوهشگاه امام خمینی، ۱۳۹۰.

- کلینی، محمدبن یعقوب؛ کافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- المظفر، محمدرضا؛ المنطق؛ بیروت: دارالتعاریف، ۱۴۰۰ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.